مدل‌یابی روابط ساختاری الگوهای ارتباطی و طرحواره‌های عشق با تعهد زناشویی با واسطه‌گری سبکهای عشق‌ورزی*

◈ آیلار کلاهدوزی‌پور[۱] ◈ دکتر وحیده باباخانی[۲] ◈ دکتر محمد قمری[۳] ◈ دکتر جعفر پویامنش[۴]

چکیده: پژوهش حاضر با هدف بررسی مدل‌یابی روابط ساختاری الگوهای ارتباطی و طرحواره‌های عشق با تعهد زناشویی با واسطه‌گری سبکهای عشق‌ورزی انجام شده است. روش پژوهش توصیفی- همبستگی از نوع معادلات ساختاری بود. جامعه آماری عبارت بود از همه معلمان زن متاهلی که در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ در مدارس دولتی شهر تبریز مشغول به تدریس بودند. از میان آنها ۲۳۷ معلم با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند و به پرسشنامه الگوهای ارتباطی (کریستنسن و سالاوی، ۱۹۸۴)، مقیاس طرحواره‌های عشق (سینگلیس، چو و هتفیلد، ۱۹۹۵)، پرسشنامه تعهد زناشویی (آدامز و جونز، ۱۹۹۷) و سبکهای عشق (استرنبرگ، ۱۹۸۶) پاسخ دادند. تحلیل داده‌های به‌دست آمده از ارزیابی مدل پیشنهادی به روش معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار SPSS23 و SmartPLS3 انجام شده است. یافته‌ها نشان دادند که الگوهای ارتباطی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم و به شکل منفی پیش‌بینی‌کننده تعهدزناشویی و به‌طور مستقیم و منفی پیش‌بینی کنندهٔ سبکهای عشق‌ورزی‌اند. طرحواره عشق به‌طور مستقیم و غیرمستقیم و به شکل مثبت پیش‌بینی کنندهٔ تعهدزناشویی و به‌طور مستقیم و مثبت پیش‌بینی کننده سبکهای عشق‌ورزی است. همچنین سبکهای عشق‌ورزی به‌طور مستقیم و مثبت پیش‌بینی کننده تعهد زناشویی‌اند. به‌نظر می‌رسد، یافته‌های پژوهش از سوی مشاوران خانواده در مشاوره‌های پیش از ازدواج و خانواده برای شناسایی افراد در معرض خطر تعارضات و روابط فرازناشویی و به‌منظور افزایش بهزیستی روان آنها مورد استفاده قرار گیرد.

کلید واژگان: الگوهای ارتباطی، طرحواره‌های عشق، تعهد زناشویی، سبکهای عشق

◉ تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۲۷ ◉ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۱۲

* *این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول است.*

۱. دانشجوی دکتری رشته مشاوره، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران Aylar_kolahdoz@yahoo.com
۲. استادیار گروه مشاوره، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران. **(نویسنده مسئول)** babakhani_counseling@abhariau.ac.ir
۳. دانشیار گروه مشاوره، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران ghamari.m@abhariau.ac.ir
۴. استادیار گروه روان‌شناسی، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران pouyamanesh.j@abhariau.ac.ir

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1400.18.3.5.8]

مقدمه

بیشتر روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و آسیب‌شناسان بر نقش و اهمیت سلامتی خانواده در سلامتی جامعه تأکید کرده (باستیتس، پیستیلز و مورتلمنز[1]، ۲۰۱۸) و ازدواج و تشکیل خانواده را یکی از مراحل حساس و سرنوشت‌ساز زندگی انسان دانسته‌اند. در ضمن از نظر آنها مهم‌ترین آسیبی که نقشی مهم در افت سلامت خانواده دارد، طلاق است (هیوشی، فال، نتوولی و مونتگومری[2]، ۲۰۱۵). از نظر موسکو[3] (۲۰۰۹) هر ازدواج موفق شامل سه رکن اساسی تعهد، جاذبه و تفاهم است و در این میان تعهدزناشویی به منزلهٔ دومین عامل، موجب حفظ زندگی زناشویی می‌شود (هو، جیانگ، وانگ[4]، ۲۰۱۹). تعهد که در میان تعاملات گوناگون انسانی، مهم‌ترین جنبهٔ کیفی یک رابطه است (باگاروتسی و وودارسکی[5]، ۱۹۹۷) به این معناست که فرد همسرش را دوست دارد، به او وفادار است و از همسر دیگری به هر شکل و شمایل که باشد، اجتناب می‌کند. از نظر بریمن[6] و همکاران (۲۰۰۲) تعهدزناشویی به این معناست که زوجین تا چه حد برای روابط زناشویی خود ارزش قائل‌اند و چقدر برای حفظ و تداوم ازدواجشان انگیزه دارند. تعهد یا قصد برای ادامه رابطه، به سه نوع متمایز تعهد شخصی (علاقه و تمایل برای تداوم رابطه زناشویی است که مبتنی بر جاذبه و رضایت زناشویی است)، تعهد اخلاقی (مرتبط با تعهدات اجتماعی یا مذهبی است. فرد به‌طور اخلاقی بر اساس عمل به قول خود، پاسداشت ازدواج به منزلهٔ یک نهاد اجتماعی و حفظ ازدواج به مثابه یک امر مقدس، متعهد می‌شود در رابطه بماند) و تعهد اجباری (فرد احساس می‌کند به دلیل عوامل خارجی باید در رابطه باقی بماند) تقسیم می‌شود (بالبی[7]، ۱۹۷۳). نتایج بررسیها نشان می‌دهد که تعهد زناشویی پیش‌بینی کننده ای قوی برای طلاق است و سطوح بالای تعهدزناشویی با ابراز عشق بیشتر، سازگاری و ثبات زناشویی بالاتر و رضایت زناشویی رابطه دارد (کاپینوس و جانسون[8]، ۲۰۰۳). یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کنندهٔ تعهد و پویاییهای روابط زناشویی وجود عشق و کیفیت آن است، به‌طوری که سبکهای عشق‌ورزی بر شناختها و رفتارهایی که انعکاس‌دهنده رضایت، تعهد و سرمایه‌گذاری در روابط است، تأثیری بسزا دارند (فریکر[9]،۲۰۰۶؛ یوسفی و همکاران،۱۳۹۰). به‌عبارت دیگر، عشق و عشق‌ورزی[10] جنبه مهمی از زندگی است (بیتس، تری و پاپل[11]، ۲۰۱۷) و نقشی اساسی در حفظ ارتباطات میان- فردی دارد. استرنبرگ[12] عشق را مرکب از سه بعد صمیمیت، میل و تعهد

1. Bastaits, Pasteels, Mortelmans
2. Hiyoshi, Fall, Netuveli, Montgomery
3. Mosko
4. Hou, Jiang & Wang
5. Bagarozzi & Wodarski
6. Berryman
7. Bowlby
8. Kapinus & Johnson
9. Fricker
10. Lovemaking
11. Bates,Terry & Popple
12. Sternberg

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1400.18.3.5.8]

می‌داند که ترکیب این سه عنصر انواع گوناگون عشق را به وجود می‌آورد و هنگامی که همه عناصر بصورت متوازن حضور داشته باشند، کامل‌ترین نوع عشق یعنی عشق تمام عیار به وجود می‌آید (آکر و دیویس[1]،۱۹۹۲). استرنبرگ معتقد است که در روابط نزدیک، عشق تنها یکی از عواملی است که موجبات موفقیت در رابطه را فراهم می‌سازد، نه همه آن و همواره مواردی دیگر در ایجاد رضایت زوجین دخیل است (استرنبرگ،۱۹۹۷؛ ترجمه بهرامی، ۱۳۸۶). نتایج پژوهش لاونر، کارنی و بردبری[2] (۲۰۱۶) نشان می‌دهد که رابطه ای معنادار میان نحوه ارتباط زوجین با یکدیگر و حل مسأله و مشکلات و آسیبهای ارتباطی وجود دارد. یکی از مدلهای مطرح شده در این زمینه که به تعاملات در خانواده و نقش آن در سازگاری و رضایت زناشویی زوجین پرداخته، الگوهای ارتباطی[3] است. الگوهای ارتباطی عملکرد رابطه زوجین را پیش‌بینی می‌کنند و از عوامل مؤثر در بهزیستی فردند (پیکوور، لیپینسکی، دادسون، ترن، وودوارد و بک[4]، ۲۰۱۷). کریستنسن و سالاوی[5] (۱۹۸۴) الگوهای ارتباطی میان زوجین را به سه دسته الگوی سازنده متقابل[6]، الگوی اجتناب متقابل[7] و الگوی توقع/کناره‌گیری[8] تقسیم می‌کنند (پیکوور، دادسون، ترن، لیپینسکی و بک، ۲۰۱۹). در الگوی سازنده متقابل زن و مرد سعی می‌کنند در مورد مشکلات ارتباطی خود بحث و گفتگو کنند، احساسات‌شان را بروز دهند و برای مشکل ارتباطی پیشنهاد راه حل بدهند و با هم مذاکره کنند. طی الگوی اجتناب متقابل سعی می‌کنند از بحث کردن درباره مشکل دوری کنند و در الگوی توقع/کناره‌گیری یکی از زوجین دربارهٔ مشکل بحث می‌کند یا با انتقاد کردن، غر زدن و یا پیشنهاد تغییر دادن، دیگری را وادار به بحث کردن درباره مشکل می‌کند، در حالی‌که دیگری می‌خواهد از بحث کردن درباره آن اجتناب کند (فییر[9]، ۱۹۹۳). نولر[10] (۱۹۹۴) معتقد است که الگوی ارتباطی اجتناب متقابل، با نارضایتی زناشویی ارتباط دارد (هنروران و همکاران،۱۳۹۰). گاتمن (۲۰۰۰) دریافت که استفاده زوجین از الگوی اجتناب متقابل و الگوی توقع/کناره‌گیری به‌ویژه هنگامی که زن متوقع و مرد کناره‌گیر باشد، موجب کاهش رضایت زناشویی می‌شود و می‌تواند وقوع طلاق را پیش‌بینی کند (اولیاء، ۱۳۸۵). فییر (۱۹۹۳) طی پژوهشی به این نتیجه دست یافته که الگوی تقاضا/کناره‌گیری پیش‌بینی‌کننده نارضایتی زناشویی است. به اعتقاد اشنیویند[11] (۲۰۱۰) بیشتر تعارض و نارضایتیهای زوجین و عدم تعهدزناشویی به‌دلیل عدم به‌کارگیری الگوهای ارتباطی مؤثر است که

1. Acker & Davis
2. Lavner, Karney & Bradbury
3. Communication Patterns
4. Pickover, Lipinski, Dodson, Tran, Woodward & Beck
5. Christensen & Sullaway
6. Mutual productive pattern
7. Mutual avoidance pattern
8. Demand-withdraw pattern
9. Fehr
10. Noller
11. Schneewind

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1400.18.3.5.8]

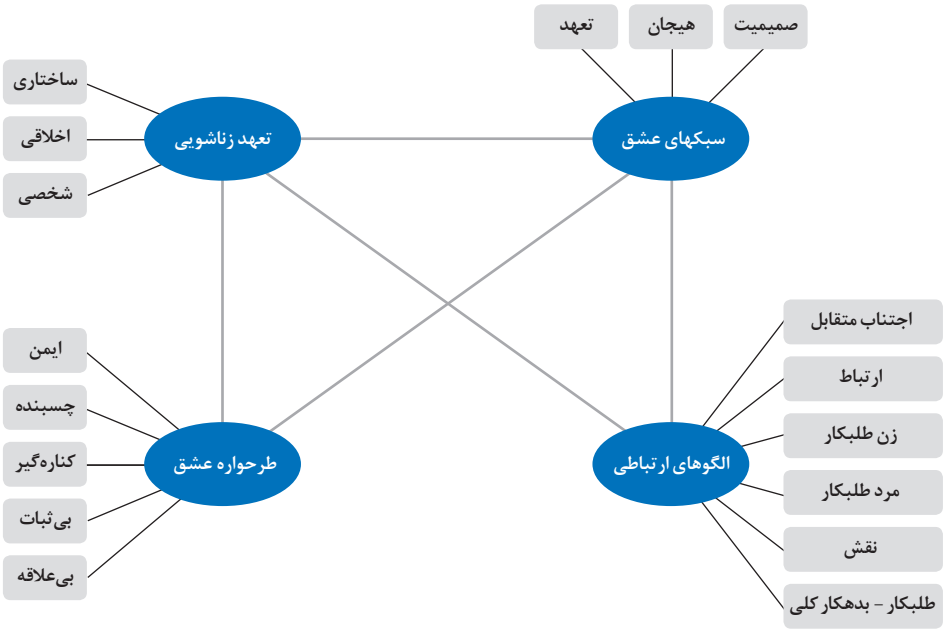
معیارهای یکی از طرفین تحقق‌نمی‌یابد یا اینکـــه معیارهای یکی از طرفین غیرواقع‌بینانه و بی‌انعطاف است. در این میان زوجها با دقت بیشتری روابط خود را تحت‌نظر دارند و این موجب می‌شود آنها بیشتر از ناهماهنگیهای موجود میان معیارهای خود و آنچه در واقعیت تعاملات‌شان وجود دارد آگاه شوند و این کیفیت رفتار و سلامت زندگی زناشویی آنها را متأثر می‌کند.

از متغیرهایی که اخیراً در زمینه شناختها، هیجانات و رفتارهای افراد و زوجین در روابط میان- فردی مورد توجه قرار گرفته است، نقش طرحواره‌هاست؛ سازه‌هایی که براساس واقعیت یا تجربه شکل می‌گیرند و به‌عنوان واسطه، پاسخهای رفتاری را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند (یانگ[1]، ۱۹۹۰؛ ترجمه صاحبی و حمیدپور، ۱۳۹۵). در این زمینه مدل طرحواره‌های عشق با تلفیق دو نظریه مرحله‌ای اریکسون و اریکسون[2] و نظریه دلبستگی هازن و شیور[3] از سوی رپسون و هتفیلد[4] مطرح شده است (هتفیلد و رپسون،۲۰۰۶). طرحواره عشـــق به میزان راحتی فرد با نزدیکی، اســـتقلال و اشـــتیاق به برقراری روابط عاشقانه تعریف می‌شود و در چهار دســـته طرحواره عشـــق ایمن[5] (افرادی که هم با نزدیکی و هم با استقلال از دیگران راحت اند)، چســـبنده[6] (افرادی که خواستار نزدیکی زیادند)، کناره‌گیر[7] (شامل افرادی که از نزدیکی زیاد بیم دارند اما با استقلال مشکلی ندارند) و بی‌ثبات[8] (بیانگر عدم آسودگی خاطر افراد هم با نزدیکی و هم با استقلال است) قرار می‌گیرد. تأثیر طرحواره‌های عشق بر افکار، احساسات و رفتارهای افراد در روابط عاشقانه، شکل‌گیری الگوهای شـــناختی متفاوت و انتظارات از خود و شریک عشق‌شان کم و بیش شناخته شده است. شواهد متعدد (جینفرو[9]،۲۰۰۹؛ برنان[10] و شیور، ۱۹۹۵؛ دوهرتی[11] و همکاران، ۱۹۹۴) نیز در حمایت از رابطه میان الگوهای دلبستگی و طرحواره‌های عشق و از سویی هم رابطه میان سبکهای دلبستگی و پدیده‌های مرتبط با رابطه عاشقانه مانند تعهدزناشویی و ثبات رابطه به‌دست آمده است.

با توجه به مطالب فوق و از آنجا که پژوهشـــهای موردنیاز در راستای شناسایی عوامل تعیین‌کننده تعهدزناشـــویی و ارائه راهکارهایی برای سلامت زوجین، شواهدی به‌دست می‌دهد که با تکیه بر آنها در همان ابتدا برخی مشکلات ریشه‌کن می‌شود، پژوهش حاضر در صدد یافتن پاسخ به این پرسش است که آیا مدل ارائه شدهٔ روابط ساختاری الگوهای ارتباطی و طرحواره‌های عشق با تعهدزناشویی با واسطه‌گری سبکهای عشق‌ورزی در زنان شاغل برازش دارد؟

1. Young
2. Erikson & Erikson
3. Hazen & Shaver
4. Rapson & Hatfield
5. Secure
6. Clingy
7. Skittish
8. Fickle
9. Jeanfreau
10. Brennan
11. Doherty

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1400.18.3.5.8]



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر، از نوع همبستگی-توصیفی است. جامعه آماری شامل همه معلمان زن متأهل مشـــغول به تدریس در مدارس دولتی شهر تبریز در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ بود که ۲۳۷ نفر با روش نمونه‌گیری خوشـــه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شـــدند. به این صورت که ابتدا از میان نواحی پنجگانه آموزش و پرورش، ۲ ناحیه (ناحیه ۱ و ۳) به‌صورت تصادفی انتخاب شـــد. پس از انتخاب نواحی مورد نظر و مراجعه به آموزش و پرورش هر دو ناحیه و دریافت آمار کل معلمان زن متأهل در ناحیه ۱ و ۳(۶۷۰ نفر) و ســـیاههٔ مدارس، حجم نمونه با اســـتفاده از نرم‌افزار Sample Power تعیین شد. پس از تعیین حجم نمونه (۲۳۷ نفر)، به‌صورت تصادفی ۲۶ مدرسه (۱۳ مدرسه ناحیه ۱ و ۱۳ مدرسه ناحیه ۳) از مقاطع دبستان، دوره متوسطه اول و متوسطه دوم انتخاب و از هر مدرسه ۸-۹ معلم زن بر اساس ملاکهای مورد نظر انتخاب شدند. ملاکهای مورد نظر عبارت بودند از: دامنه سنی ۵۰-۳۰، طول مدت ازدواج ۷ تا ۲۰ سال، عدم متارکه و فوت همسر، مدرک تحصیلی حداقل لیســـانس و عدم سابقه اختلال شخصیتی و روانی که براساس مصاحبه با آزمودنی پیش از اجرای آزمون مشخص می‌شد. شایان ذکر است که عدم دارا بودن هر یک از ملاکهای ورود موجب خروج

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1400.18.3.5.8]

فرد از همکاری در آزمون می‌شد. پس از آن نمونه انتخاب شده پرسشنامه‌های مورد نظر را تکمیل کردند و پس از حذف پرسشنامه‌های مخدوش (۳۷ نفر)، در نهایت پرسشنامه ۱۹۷ نفر تحلیل شد.

ابزارهای پژوهش

الف) پرسشنامه الگوهای ارتباطی (CPQ)[1]: این پرسشنامه را کریستنسن و سالاوی (۱۹۸۴) تهیه کرده‌اند و دارای ۳۵ سؤال و سه الگوی سازنده متقابل، الگوی اجتناب متقابل، الگوی توقع/کناره‌گیری است. پاسخگویی به سؤالها در یک مقیاس ۹ درجه‌ای لیکرت از ۱ (غیرممکن است) تا ۹ (خیلی‌ممکن است) درجه‌بندی شده است. پژوهشهایی که از این پرسشنامه استفاده کرده‌اند، روایی و پایایی قابل‌قبولی را در مورد خرده‌مقیاسهای متفاوت آن نشان داده‌اند. آلفای کرونباخ روی پنج مقیاس CPQ در پژوهش کریستنسن و هوی[2] (۱۹۹۰)، هوی و همکاران (۱۹۹۶) و بودنمن[3] و همکاران (۱۹۹۸) از ۰/۴۴ تا ۰/۸۵ گزارش شده است. در پژوهش صمدزاده و همکاران (۱۳۹۲) آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰/۷۶ گزارش شده است. همچنین آنها روایی همگرای پرسشنامه و مقیاسهای آن را از ۰/۳۰ تا ۰/۹۵ گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر نیز پایایی ترکیبی متغیر الگوهای ارتباطی محاسبه و ۰/۷۶ به‌دست آمده که نشان‌دهندهٔ پایایی مناسب این پرسشنامه است. همچنین آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های اجتناب متقابل، ارتباط، زن طلبکار، مرد طبکار، نقش و طلبکار/ بدهکار به‌ترتیب ۰/۳۶، ۰/۳۵، ۰/۴۳، ۰/۹۲، ۰/۴۹ و ۰/۹۱ به‌دست آمده است.

ب) مقیاس طرحواره‌های عشق (LS)[4]: ابزار خودگزارشی شش ماده‌ای که سینگلیس[5]، چو[6] و هتفیلد (۱۹۹۵) طراحی کرده‌اند و شامل پنج زیرمقیاس طرحواره‌های عشق ایمن، چسبنده، کناره‌گیر، بی‌ثبات و بی‌علاقه است. پاسخگویی به سؤالها به‌صورت شش‌گزینه‌ای (۱= مناسب‌ترین توصیف برای من است تا ۶ = کمترین تناسب را با من دارد)، تنظیم شده است. به‌دلیل اینکه هر کدام از طرحواره‌های عشق با یک مقیاس تک‌ماده‌ای سنجیده می‌شود، امکان محاسبه اعتبار درونی برای مقیاسها وجود ندارد. ولی برخی شواهد هم‌ارزی فرهنگی[7]، بر اساس خطای استاندارد میانگین و چولگی داده‌ها برای شش ماده LS میان گروههای فرهنگی به‌دست آمده است. در هر گروه خطای استاندارد میانگین هر ماده ۰/۲ یا کمتر است

1. Communication Patterns Questionnaire
2. Heavey
3. Bodenmann
4. Love Schema Scale
5. Singelis
6. Choo
7. Cultural equivalence

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1400.18.3.5.8]

و چولگی در هیچ موردی از ۰/۱ فراتر نرفته است (مور و لئونگ[1]،۲۰۰۱). همچنین نمرات LS با مقیاس عشق مشـــفقانه، مقیاس انتخاب همسر و نیز افکار، احساسات و رفتارهایی که افراد در مورد روابط متعهدانه و جدی ابراز می‌کنند، همبســـتگی نشـــان داده اســـت (سینگلیس و همکاران، ۱۹۹۵). در پژوهش حاضر نیز پایایی ترکیبی محاســـبه و ۰/۷۸ به‌دســـت آمده که نشـــان‌دهنده پایایی مناســـب این پرسشنامه اســـت. همچنین آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های طرحواره ایمن، چسبنده، کناره‌گیر، بی‌ثبات و بی‌علاقه به ترتیب ۰/۸۸، ۰/۵۷، ۰/۷۶، ۰/۵۴ و ۰/۴۸ به‌دست آمده است.

ج) پرسشـــــنامه تعهدزناشویی: این پرسشـــنامه را آدامز و جونز[2] (۱۹۹۷) تهیه کرده‌اند و دارای سه بعد تعهد شـــخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری است. پاسخ به سؤالها به‌صورت پنج گزینه (کاملاً مخالف= ۱ تا کاملاً موافق=۵) تنظیم شده است. آدامز و جونز (۱۹۹۷) میزان پایایی هر یک از مقیاســـهای تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری را به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۸۹ و ۰/۸۶ به‌دست آورده‌اند. در پژوهش عباسی مولید (۱۳۸۸) میزان آلفای کرونباخ برای کل پرسشـــنامه، ۰/۸۵ و برای خرده‌مقیاسهای تعهد شخصی ۰/۶۶، تعهد اخلاقی ۰/۷۶، تعهد ســـاختاری ۰/۷۸ و برای کل پرسشنامه ۰/۸۷ گزارش شده است. در پژوهش حاضر نیز پایایی ترکیبی محاســـبه و ۰/۹۳ به‌دست آمده که نشـــان‌دهندۀ پایایی مناسب این پرسشنامه است. همچنین آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های تعهد اجباری، تعهد به ازدواج و تعهد به همسر به‌ترتیب ۰/۸۹، ۰/۹۳ و ۰/۹۱ به‌دست آمده است.

د) پرسشنامه سبکهای عشق: ایـــن پرسشنامه را اســـترنبرگ (۱۹۸۶) ساخته و دارای ۴۵ ســـؤال و ۳ خرده‌مقیاس صمیمیت، هیجان و تعهد است. پاســـخ به سؤالها به‌صورت ۹ گزینه (اصلاً= ۱ تا کاملاً=۹) تنظیم شـــده است. اســـترنبرگ (۱۹۹۷) اعتبار این پرسشنامه را ۰/۹۰ ذکر کرده اســـت (هدایتی‌دانا و صابری، ۱۳۹۳). در ایران اعتبار پرسشنامه با استفاده از روش آلفـــای کرونبـــاخ ۰/۹۲ و برای مؤلفه‌های صمیمیت ۰/۹۶، میـــل ۰/۹۲ و تعهد ۰/۸۵ گزارش شـــده است (حفاظی‌طرقبه و همکاران، ۱۳۸۵). هدایتی‌دانا و صابری (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی ضریب همسانی درونی میان سؤالها را با استفاده از ضریب آلفا برابر با ۰/۹۸ و برای مؤلفه‌های صمیمیـــت ۰/۹۸، میل ۰/۹۷ و تعهـــد ۰/۹۲ گزارش کرده‌اند. در پژوهـــش حاضر نیز پایایی ترکیبی محاســـبه و ۰/۹۳ به‌دست آمده که نشـــان‌دهندۀ پایایی مناسب این پرسشنامه است. آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های تعهد اجباری، تعهد به ازدواج و تعهد به همسر به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۹۳ و ۰/۹۱ به‌دست آمده است.

1. Moore & Leung
2. Adams & Jones

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1400.18.3.5.8]

تحلیل داده‌ها

برای تجزیه وتحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS23 و SmartPLS3 استفاده شده است. SmartPLS برای مدلسازی معادلات ساختاری حداقل مجذورات جزئی PLS - SEM طراحی شده است. در ادامه یافته‌های به‌دست آمده ارائه می‌شوند.

یافته‌های پژوهش

شـــاخصهای توصیفی متغیرهای الگوهای ارتباطی، طرحواره عشق، سبکهای عشق و تعهد زناشویی محاسبه و نتایج در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره در متغیرهای پژوهش در آزمودنیها

متغیرها	شاخصهای آماری	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
الگوهای ارتباطی	اجتناب متقابل	۱۳/۹۴	۴/۴۳	۳	۲۷
	ارتباط	۵/۱۷	۱/۵۷	-۲۵	۲۳
	زن طلبکار	۱۳/۶۶	۶/۰۱	۳	۲۷
	مرد طلبکار	۱۴/۴۸	۶/۵۱	۳	۲۷
	نقش	۸/۲	۰/۸۲۲	-۲۴	۲۴
	طلبکار/ بدهکار	۲۸/۱۵	۹/۴۸	۶	۵۴
طرحواره عشق	ایمن	۲۰/۴۵	۴/۸۲	۷	۳۰
	چسبنده	۱۵/۷۶	۴/۳۸	۴	۲۴
	کناره‌گیر	۱۵/۲۳	۴/۹۱	۴	۲۴
	بی‌ثبات	۲۴/۲۹	۵/۸۳	۹	۴۲
	بی‌علاقه	۱۲/۸۱	۲/۸۱	۴	۱۸
سبکهای عشق	صمیمیت	۱۰۲/۵۱	۲۳/۴۳	۱۵	۱۳۵
	هیجان	۹۴/۳۶	۲۴/۸۵	۱۵	۱۳۵
	تعهد	۱۰۸/۱۴	۲۵/۵۵	۱۵	۱۳۵
تعهدزناشویی	تعهداجباری	۷۸/۶۳	۱۴/۴۱	۳۶	۱۰۶
	تعهد به ازدواج	۳۵/۵۶	۳/۹۳	۲۷	۴۹
	تعهد به همسر	۳۱/۴۰	۳/۲۱	۲۱	۴۱

n = ۱۹۷

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1400.18.3.5.8]

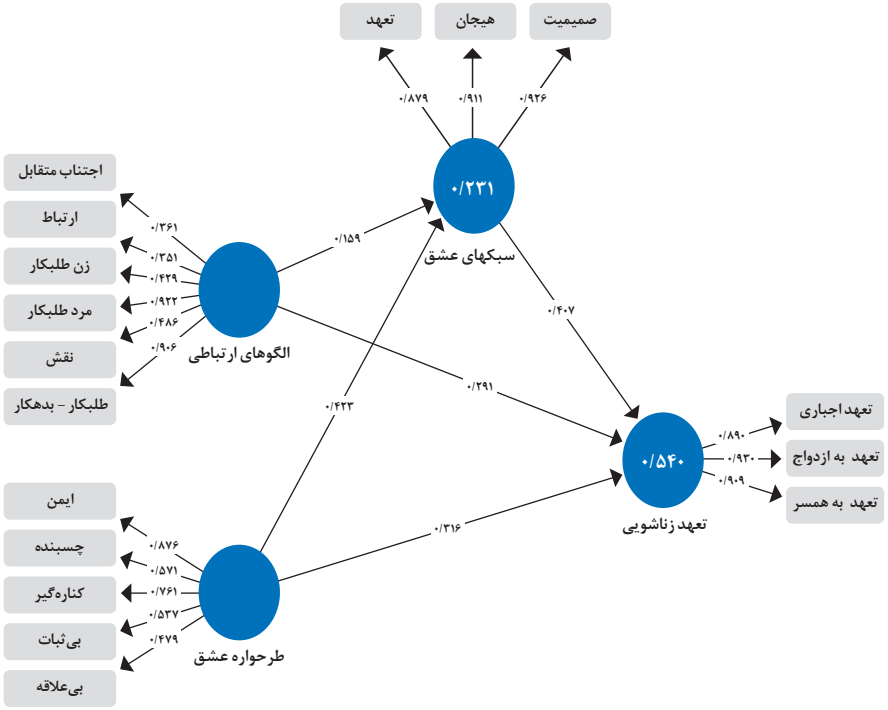
جدول شـــماره ۱، میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر هر یک از متغیرهای پژوهش را نشـــان می‌دهد.

به‌منظور بررسی مفروضه‌ها AVE و روایی همگرا مورد استفاده قرار گرفته است.

AVE در مدل معادلات ســـاختاری روایی تشخیصی است که با نرم‌افزار SmartPLS محاسبه شده است. به‌کمک شاخص میانگین واریانس استخراج شده AVE مشخص شده که چهار شاخص الگوهای ارتباطی، طرحواره عشـــق، سبکهای عشق‌ورزی و تعهدزناشـــویی به ترتیب دارای AVE ۰/۵۰، ۰/۵۳، ۰/۸۲، و ۰/۸۲ است، یعنی دارای میانگین واریانس بالاتر از ۰/۵ است.

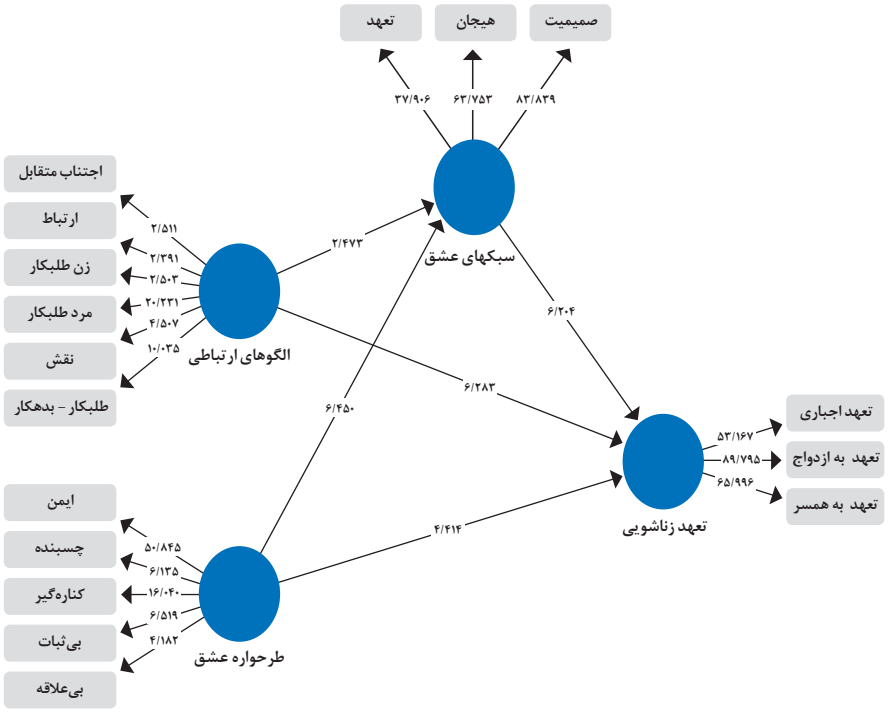
نتایج به‌دست آمده از بررسی روایی همگرا نشان داد که همبستگی هر متغیر با سازه مربوط به خود بیش از همبستگی به سازه دیگر است، بر این اساس روایی همگرای متغیرهای پژوهش تأیید شد.

به‌منظور بررســـی یافته‌های پژوهش با استفاده از مدلســـازی معادلات ساختاری حداقل مجذورات جزئی مدل مفهومی پژوهش مورد بررسی قرار گرفت تا با استفاده از نتایج آزمون به بررسی روابط میان متغیرهای پژوهش، ضرایب اعتبار و پایایی و کیفیت مدل پرداخته شـــود. در ادامه ابتدا مدل مربوط به ضرایب مسیر و پس از آن مدل مربوط به مقادیر تی ارائه می‌شود.



شکل ۲. مدل مربوط به ضرایب مسیر

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1400.18.3.5.8]



شکل ۳. مدل مربوط به مقادیر تی

در مـــدل SmartPLS برای بررســـی برازش مدل، از شـــاخص SRMR (مجموع مجذورات خطای پیش‌بینی) استفاده شد. این شاخص برابر ۰/۰۷۲ به‌دست آمد که نشان می‌دهد داده‌های تجربی کلیت مدل نظری را مورد تائید قرار می‌دهد و مدل اندازه‌گیری کیفیت مناسب را دارد.

در نهایـــت پس از تأیید کفایت، پایایی و روایی‌های موردنیاز، اثرات مســـتقیم، غیرمســـتقیم و کل متغیرهای پژوهش بر تعهدزناشویی بررسی شد.

جدول ۲. اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل

مسیر		اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
الگوهای ارتباطی ← سبکهای عشق	ضرایب استاندارد	-۰/۱۵۹		-۰/۱۵۹
	مقدار t	۲/۴۷۳*		۲/۴۷۳*
طرحواره عشق ← سبکهای عشق	ضرایب استاندارد	۰/۴۲۳		۰/۴۲۳
	مقدار t	۶/۴۵**		۶/۴۵**

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1400.18.3.5.8]

(ادامه) جدول ۲.

مسیر		اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
الگوهای ارتباطی ← تعهد زناشویی	ضرایب استاندارد	-۰/۲۹۱	-۰/۰۶۵	-۰/۳۵۶
	مقدار t	۶/۲۶۳**	۲/۲۵*	۶/۷۵۶**
طرحواره عشق ← تعهد زناشویی	ضرایب استاندارد	۰/۳۱۶	۰/۱۷۲	۰/۴۸۸
	مقدار t	۴/۴۱۴**	۳/۰۲**	۵/۱۱۲**
سبکهای عشق ← تعهد زناشویی	ضرایب استاندارد	۰/۴۰۷		۰/۴۰۷
	مقدار t	۶/۲۰۸**		۶/۲۰۸**

با توجه به یافته‌های جدول فوق، الگوهای ارتباطی و طرحواره‌های عشق دارای اثرمستقیم معنادار بر سبکهای عشق‌ورزی‌اند. الگوهای ارتباطی و طرحواره‌های عشق دارای اثرمستقیم، اثر غیرمستقیم و اثر کل معنادار بر تعهد زناشویی اند، همچنین سبکهای عشق دارای اثر مستقیم معنادار بر تعهدزناشویی است.

شایان ذکر است میزان واریانسی که مدل تدوین شده توانسته برای متغیرهای ملاک تبیین کند مورد بررسی قرار گرفت و یافته‌ها نشان دادند که مدل پیشنهادی توانسته ۰/۵۶ از واریانس سبکهای عشق و ۰/۲۳ درصد از واریانس تعهدزناشویی را تبیین کند.

بحث و نتیجه‌گیری

محاسبه و تحلیل شاخصهای برازندگی مدل پژوهش نشان می‌دهد که مدل تدوین شده تعهدزناشویی براساس متغیرهای الگوهای ارتباطی و طرحواره عشق به عنوان متغیرهای پیش‌بین و در تعامل واسطه با متغیر سبکهای عشق‌ورزی از برازش مطلوب برخوردار است. مدل برازش‌یافته پژوهش حاضر در مسیرهای زیر قابل تبیین و پیش‌بینی کنندهٔ راهکارهایی برای ارتقای سلامت در روابط زوجین، به‌ویژه تعهدزناشویی است.

مسیر نخست نشان داد که الگوهای ارتباطی به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم و به شکل منفی پیش‌بینی کنندهٔ تعهدزناشویی اند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش سیمپسون و گانگستاد[1] (۱۹۹۱)، چوئیک[2] (۲۰۰۹) و محمدی و همکاران (۱۳۹۵) همسوست. دهقانیان (۱۳۹۷) طی پژوهشی

1. Simpson & Gangestad
2. Chuick

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1400.18.3.5.8]

به این نتیجه رسید که الگوهای ارتباطی خانواده سازنده متقابل، خیانت زناشویی را به‌صورت منفی و الگوهای ارتباطی اجتناب متقابل و توقع/کناره‌گیر، خیانت زناشویی را به‌صورت مثبت پیش‌بینی می‌کنند. سبکهای عشق‌ورزی دوستانه و فداکارانه به‌صورت معنادار قادر به پیش‌بینی معکوس خیانت زناشویی و سبکهای عشق‌ورزی رمانتیک و شهوانی به‌صورت معنادار قادر به پیش‌بینی مستقیم خیانت زناشویی‌اند. براساس مدل، مبادله میان- فردی کیفیت ارتباط زوجین روی زندگی زناشویی آنها اثر می‌گذارد. از این دیدگاه زوجینی که دارای تجارب تعارضهای حل نشده اند، احساس عاشق بودن ندارند و از یکدیگر فاصله عاطفی می‌گیرند و این فاصله عاطفی بر روابط زناشویی آنها تأثیر می‌گذارد و موجب کاهش رضایت از رابطه می‌شود (بایرز و مک‌نیل[1]، ۲۰۰۶). بنابراین زوجین دارای سبک الگوی ارتباطی سازنده متقابل در روابط میان- فردی، زمان بروز مشکلات در مسائل زندگی از طریق صحبت و مذاکره با یکدیگر به رفع مشکل خود اقدام می‌کنند و مانع از ایجاد مسائل حل نشده و تأثیرات آن بر ابعاد دیگر زندگی می‌شوند. در صورتی که زوجین دارای سبک الگوی ارتباطی اجتناب متقابل در روابط زناشویی، تعارضی شدیدتر دارند و بحث و جدل به یک الگوی دائمی و مخرب در آنها تبدیل می‌شود و زوجین از برقراری ارتباط با یکدیگر اجتناب می‌کنند و در صورت بروز مشکل در زندگی زناشویی به جای حل و فصل مسائل از راه صحبت و مذاکره با یکدیگر فاصله عاطفی و فیزیکی می‌گیرند. همین امر موجب حل نشدن مسائل و تأثیر منفی بر سایر جنبه‌های زندگی زناشویی و همچنین عدم تعهدزناشویی می‌شود. وقتی که روابط زوجین مبهم، متعارض یا دوپهلو باشد، یکدیگر را درک نمی‌کنند و برای خواسته‌های دیگری ارزش قائل نمی‌شوند، بنابراین توانایی حل مشکلات و توافق بر سر موضوعات مورد اختلاف را نخواهند داشت. در چنین شرایطی احساس دوری و عدم تفاهم خواهند کرد و ممکن است در جستجوی دستیابی به راه حلهایی باشند که نه تنها هیچ کمکی به آنها نخواهد کرد، بلکه موجب بدتر شدن شرایط، دوری بیشتر از یکدیگر و عدم تعهد زناشویی خواهد شد.

مسیر دوم نشان داد که طرحواره عشق به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم و به شکل مثبت پیش‌بینی کننده تعهدزناشویی است. این یافته‌ها در راستای نتایج پژوهش کیلن[2] (۱۹۹۴) و نتایج پژوهشهای پیشین که در زمینهٔ رابطه سبکهای دلبستگی با خیانت زناشویی (آلن[3]، ۲۰۰۱؛ جینفرو، ۲۰۰۹؛ برنان و شیور،۱۹۹۵؛ دوهرتی و همکاران، ۱۹۹۴) و نیز رابطه طرحواره‌های عشق و جهت‌گیری جنسی- اجتماعی، تعهد به همسر و سبکهای عشق‌ورزی (استفان و بکمن[4]، ۱۹۹۹) است. همچنین با نتایج پژوهش جزینی و همکاران (۱۳۹۷) و شریفی و همکاران (۱۳۹۱)

1. Byers & MacNeil
2. Keelan
3. Allen
4. Stephan & Bachman

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1400.18.3.5.8]

همسوست، اما با نتایج پژوهش قنبری هاشم‌آبادی و همکاران (۱۳۹۰) مبنی بر عدم وجود رابطه میان سبک‌های دلبستگی و تعهدزناشویی در زنان ناهمسوست. الگوهایی که در طول سال اول زندگی ایجاد می‌شوند به منزلهٔ ویژگی پایداری از کودکی به بزرگسالی انتقال می‌یابند و در ادامه به‌شکل روابط عاشقانه باقی می‌مانند. از نظر کلاکسمن[1] (۲۰۰۷) نوع سبک دلبستگی که افراد از خود نشان می‌دهند در روابط میان زوجین بسیار مهم است. همچنین ساختار خانواده متعادل بر پایه روابط زناشویی صمیمی استوار است و یکی از عوامل مهم در استحکام این رابطه، سبک دلبستگی زوجهاست. بنابراین دلبستگی که در دوران کودکی شکل گرفته است، نقشی تعیین‌کننده در تعاملهای میان- فردی دارد و با توجه به محیطی که در آن تحول یافته است در سالهای آتی ادامه می‌یابد (مولدن و فینکل[2]، ۲۰۱۰). برای مثال ارنبرگ، رابرتسن و پرینگل[3] (۲۰۱۲) بیان می‌کنند که افراد دارای سبک دلبستگی ایمن (طرحواره عشق ایمن)، دیدگاهی مثبت نسبت به خود و همسرشان و احساساتی قوی نسبت به ارزش خود دارند و به سادگی در روابط عاشقانه صمیمی می‌شوند. بنابراین در زندگی زناشویی نیز متعهدانه‌تر برخورد می‌کنند (به نقل از کردی و همکاران، ۱۳۹۶). اشتغال ذهنی وسواس‌گونه با عشق و از سویی هم کمبود عزت‌نفس، ترس از تنهایی و سطح تعهد پایین در افراد موجب می‌شود در صورت احساس عدم دریافت عشق و محبت در رابطه فعلی، به‌منظور ارضای نیازهای عاطفی خود در جستجوی روابط جایگزین برآیند. می‌توان گفت که این افراد به سبب احساس تنهایی و نادیده گرفته شدن برای عدم تعهد تحریک می‌شوند (آلن، ۲۰۰۱).

مسیر سوم نشان داد که سبکهای عشق‌ورزی به‌صورت مستقیم و مثبت پیش‌بینی کننده تعهدزناشویی است. این یافته‌ها با نتایج هتفیلد و رپسون (۲۰۰۶)، شکرالله‌زاده و مدنی (۱۳۹۵) و کریمیان، کریمی و بهمنی (۱۳۹۰) همسوست. احساس عشق، هیجانی است که با تحریک شهوانی همراه می‌شود، اما برخورداری از عشق اصیل و واقعی در رابطه، مستلزم وجود صمیمیت، تعهد و به‌کارگیری خرد نیز هست که در پی ارضای میل نیز می‌تواند ایجاد شود. به‌طورکلی می‌توان گفت فردی که میزان صمیمیت بالاتر را تجربه می‌کند، قادر است خود را به شیوه‌ای مطلوب‌تر در روابط عرضه کند و نیازهای خود را به شکلی مؤثرتر به شریک و همسر خود ابراز کند. زوجهایی که صمیمیت بیشتر دارند ممکن است در مواجهه با مشکلات و تغییرات مربوط به رابطه خود قابلیت بیشتر نیز داشته باشند و در نتیجه رضایت زناشوئی بالاتر و نیز تعارضات زناشویی کمتری را تجربه کنند (پاتریک[4] و همکاران، ۲۰۰۷) که به افزایش تعهدزناشویی کمکی شایان می‌کند.

1. Klacsmann
2. Molden & Finkel
3. Arneburg, Robertson & Pringle
4. Patrick

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1400.18.3.5.8]

برقراری ارتباط صمیمی، انتقال احساسات و افکار و بیان نیازها، راه‌حل مشکلات در روابط زناشویی اســـت. زن و شوهر، زمانی به رضایت‌مندی می‌رســـند که به اندازه کافی در ارتباطشان با یکدیگر صمیمی و در حل مشـــکلاتی که در زندگی‌شان به وجود می‌آید، با یکدیگر همکاری کنند (اسره، ییودو و اولادون[1]، ۲۰۱۴).

مســـیر چهارم نشـــان داد که الگوهای ارتباطی به‌صورت مســـتقیم و منفی پیش‌بینی کننده سبکهای عشق‌ورزی اســـت. این یافته‌ها با نتایج تقی‌یار و پهلوان‌زاده (۱۳۹۳) همسوست. ارتباط مایه حیات هر رابطه اســـت. هنگامی که ارتباطی بی‌پرده، واضح و با احساس روی می‌دهد، رابطه تقویت می‌شود، اما زمانی که به‌صورت تدافعی، پرخاشگرانه و ناموثر برقرار می‌شود رابطه را تضعیف می‌کند. وقتی که جریان برقراری ارتباط به شـــکلی وسیع مسدود می‌شود، رابطه به سرعت رو به اضمحلال می‌رود و ســـرانجام می‌میرد. در جایی که مهارتهای ارتباطی مناسب وجود ندارد، عشق میان همسران، عشاق، دوستان، والدین و فرزندان به مقدار زیادی کاهش می‌یابد (بولتون[2]، ترجمه ســـهرابی، ۱۳۸۶). براساس نظر بک[3] (۱۹۹۴)، عشق از عوامل مؤثری است که در رضایت زوجین مهم و مؤثر است. هماهنگی و ارضای نیازهای زوجین، برآوردن نیازهای عاطفی، داشتن مهارتهای مربـــوط به ایجاد تفاهم و شـــیوه‌های محبت و ارضای نیازهای جنســـی می‌توانند موجب رضایت زوجین از زندگی مشترک و همچنین بهبود سبکهای عشق‌ورزی شوند. عشق، صمیمیت و روابط جنســـی جنبه‌های در هم تنیده روابط نزدیک‌اند که هر یک تداوم دیگری را به شـــیوه‌های مثبت یا منفی تحت‌تأثیر قرار می‌دهد (مشـــاک، ۱۳۸۹). گونزاگا[4] و همکاران (۲۰۰۱) نتیجه گرفتند که تجربه عشق با شرایط مربوط به نزدیک شدن (میل و همدلی) به همسر و ابراز غیرکلامی عشق با روابط عاشقانه و همچنین، تجربه عشق و ابراز غیرکلامی عشق با تعهد بالا رابطه‌ای مثبت دارند.

مسیر پنجم نشان می‌دهد که طرحواره‌های عشق به‌صورت مستقیم و مثبت پیش‌بینی کننده ســـبکهای عشق‌ورزی است. براساس شـــواهد مردان و زنان با طرحواره عشق ایمن بهتر از دیگران قادر به برقراری و حفظ روابط صمیمانه و باثبات هســـتند؛ آنها خود را ارزشـــمند و لایق عشق و توجه دیگران می‌دانند و فرض می‌کنند که شریک عشقی‌شان نیز فردی قابل اعتماد و در دسترس اســـت. برای آنها نزدیک شدن و تکیه کردن به دیگران آســـان است و روابطشان با لذت، رضایت، صمیمیت و تعهد بیشتر و وابستگی متقابل همراه است (دوهرتی و همکاران، ۱۹۹۴). براساس نتایج پژوهش برنان و شیور (۱۹۹۵) افراد با سبک دلبستگی ایمن از نظر جهت‌گیری اجتماعی- جنسی بیشـــترین سطح خودداری و افراد با سبک دلبستگی اجتنابی و بیمناک حداقل خودداری جنسی

1. Esere, Yeyeodu & Oladun
2. Bolton
3. Beck
4. Gonzaga

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1400.18.3.5.8]

(در روابط فرازناشـــویی) را دارند. همچنین نتایج پژوهش اســـتفان و بکمن (۱۹۹۹) نشان داد که افراد با طرحواره عشق غیرجدی در پایین‌ترین سطح خودداری جنسی قرار دارند و در زمینه تأیید رابطه جنســـی بدون درگیری عاطفی نیز، گروه طرحواره ایمن کمترین و گروه طرحواره بی‌ثبات و غیرجدی بیشترین میانگین نمرات را نشان داده اند (استفان و بکمن، ۱۹۹۹). افراد با طرحواره کناره‌گیر به دلیل ســـطوح پایین تعهد، صمیمیت و علاقه ترجیح می‌دهند که روابط عاشقانه‌شان تنها از طریق تمایلات جنســـی تعریف شود تا بتوانند با درگیر شدن در روابط جنسی غیرجدی و کوتاه‌مدت خود را از آسیب‌پذیری روان‌شناختی نسبت به صمیمت و تعهد بلندمدت دور نگهدارند (برنان و شـــیور، ۱۹۹۵)، اما افـــراد با طرحواره ایمن به دلیل اینکه هم بـــا تعهد و هم با نزدیکی راحت‌اند و افراد با طرحواره چسبنده به دلیل نیاز وسواس گونه‌شان به دریافت عشق و نزدیکی با دیگران، گرایش کمتری به وارد شدن در این قبیل روابط دارند (سیمپسون و گانگستد، ۱۹۹۱).

به‌طور کلی نتایج پژوهش نشـــان داد که مدل پژوهش حاضر از نظر آماری دارای شاخصهای برازش قابل‌قبول اســـت. در نتیجه داده‌های به‌دســـت آمده از مدل پژوهش حاضر حمایت کردند. روابط حاکم میان مسیرهای مدل نشان داد که الگوهای ارتباطی و طرحواره‌های عشق در کنار هم به‌منزلهٔ مهم‌ترین عوامل در پیش‌بینی تعهدزناشـــویی زنان نقش دارند. همچنین نتایج نشان داد که چگونه متغیر ســـبکهای عشق‌ورزی در نقش متغیر واسطه تأثیر دارد. یافته‌های پژوهش حاضر از سوی مشاوران و درمانگران زوج و خانواده در مشاوره‌های پیش از ازدواج، خانواده و مشاوره‌های فردی در جهت شناســـایی افراد در معرض خطر تعارضات و روابط فرازناشویی و افزایش بهزیستی روان آنها مورد اســـتفاده قرار گیرد. از محدودیتهای پژوهش حاضر می‌توان به محدودیت در اجرا روی یک جنس (زنان) یک شـــهر، استفاده صرف از پرسشنامه‌های خودسنجی و وجود متغیرهای مداخله‌گـــر مانند بارفرهنگی بعضی جملات و کلمات پرسشـــنامه‌ها و همچنین امتناع افراد گروه نمونه از پاسخگویی به همه سؤالهای پرسشنامه‌ها که زمان زیادی به‌منظور گردآوری آنها صرف شد، اشاره کرد.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1400.18.3.5.8]

منابع

REFERENCES

استرنبرگ، رابرت جی. (۱۹۹۷). *قصه عشق: نگاهی تازه به روابط زن و مرد*، ترجمه علی اصغر بهرامی. (۱۳۸۶). تهران: رشد.

اولیاء، نرگس. (۱۳۸۵). *بررسی تاثیر آموزش غنی‌سازی زندگی زناشویی بر افزایش رضایتمندی زوجین شهر اصفهان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مشاوره خانواده، دانشکده روانشناسی وعلوم تربیتی دانشگاه اصفهان.

بولتون، رابرت. (۱۳۸۶). *روانشناسی روابط انسانی (مهارتهای مردمی)*، ترجمه حمیدرضا سهرابی. تهران: رشد.

تقی‌یار، زهرا و پهلوان‌زاده، فرشاد. (۱۳۹۳). بررسی رابطه تعهد زناشویی و سبکهای عشق‌ورزی با صمیمیت زناشویی. *همایش ملی تحکیم بنیان خانواده و نقش زن*. تهران، موسسه نیروی تدبیر ایرانیان.

جزینی، شادی؛ عبدالهی، نیره؛ امان‌الهی، عباس و اصلانی، خالد. (۱۳۹۷). تأثیر سبک دلبستگی و بدکارکردی جنسی بر تعهد زناشویی و باورهای جنسی در دانشجویان زن متأهل شهر اهواز: تجزیه و تحلیل مسیر. *افق دانش*، ۲۵(۱)، ۲۹-۳۶.

حفاظی‌طرقبه، میترا؛ فیروزآبادی، علی و حق‌شناس، حسن. (۱۳۸۵). بررسی ارتباط بین اجزا عشق و رضایتمندی زوجی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران*، ۱۶(۵۴)، ۹۹-۱۰۹.

دهقانیان، نسرین. (۱۳۹۷). پیش‌بینی خیانت زناشویی زوجین شهر مرودشت بر اساس نقش الگوهای ارتباطی خانواده و سبک‌های عشق‌ورزی. *پنجمین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران (با رویکرد فرهنگ مشارکتی)*، تهران، خانه فرهنگ مشارکتی ایران.

شریفی، مرضیه؛ حاجی‌حیدری، مهناز؛ خوروش، فریبرز و فاتحی‌زاده، مریم. (۱۳۹۱). رابطه طرحواره‌های عشق و توجیه روابط فرازناشویی در زنان متأهل شهر اصفهان. *تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۰(۶)، ۵۲۶-۵۳۴.

شکرالله‌زاده، معصومه و مدنی، یاسر. (۱۳۹۵). نقش سبک‌های هویتی و عشق‌ورزی در پیش بینی رضایت زناشویی. *آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده*،۲(۱)، ۷۹-۸۹.

صمدزاده، منا؛ شعیری، محمدرضا؛ مهدویان، علیرضا و جاویدی، نصیرالدین. (۱۳۹۲). پرسشنامه الگوهای ارتباطی: اعتبار و روایی. *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۳(۱)، ۱۲۵-۱۵۳.

عباسی‌مولید، حسین. (۱۳۸۸). *بررسی آموزش گروهی واقعیت درمانی بر تعهد زناشویی زوجین شهرستان خمینی‌شهر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

قنبری هاشم‌آبادی، بهرام‌علی؛ حاتمی‌ورزنه، ابوالفضل؛ اسمعیلی، معصومه و فرحبخش، کیومرث. (۱۳۹۰). رابطه بین سبکهای فرزندپروری، دلبستگی و تعهد زناشویی در زنان متأهل دانشگاه علامه طباطبائی. *جامعه‌شناسی زنان*، ۲(۳)، ۳۹-۶۰.

کردی، معصومه؛ اصلانی، خالد و امان‌الهی، عباس. (۱۳۹۶). صمیمیت جنسی و اعتماد به عنوان تعدیل کننده‌های رابطه سبک دلبستگی ایمن و تعهدزناشویی. *روانشناسی کاربردی*، ۱۱(۳)، ۳۳۳-۳۵۱.

کریمیان، نادر؛ کریمی، یوسف و بهمنی، بهمن. (۱۳۹۰). بررسی رابطه ابعاد سلامت روان و احساس گناه با تعهد زناشویی افراد متأهل. *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۱(۲)، ۲۴۳-۲۵۶.

محمدی، بهناز؛ حیدرنیا، احمد و عباسی، هادی. (۱۳۹۵). پیش‌بینی تعهدزناشویی براساس صمیمیت زناشویی و بخشودگی. *رویش روانشناسی*، ۵ (۳)، ۳۱-۵۰.

مشاک، رویا. (۱۳۸۹). رابطه سبکهای عشق (صمیمیت، لذت و تعهد) با رضایت زناشویی دانشجویان متأهل. *زن و فرهنگ*، ۱(۲)، ۸۳-۹۷.

هدایتی‌دانا، سوسن و صابری، هایده. (۱۳۹۳) پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس سبک‌های عشق ورزی (صمیمیت، میل و تعهد) و اضطراب. *خانواده‌پژوهی*، ۱۰(۴)، ۵۲۷-۵۱۱.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1400.18.3.5.8]

هنروران، نازنین؛ قادری، زهرا و قبادی، کبری. (۱۳۹۰). مقایسه الگوهای ارتباطی و تعارضات زناشویی در زنان متأهل شاغل در بانک‌های دولتی و زنان خانه‌دار شهر شیراز. *زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)*، ۲(۳)، ۱۰۳-۱۲۲.

یانگ، جفری. (۱۹۹۰). *شناخت‌درمانی اختلالات شخصیت: رویکرد طرحواره محور*، ترجمه علی صاحبی و حسن حمیدپور. (۱۳۹۵). تهران: ارجمند.

یوسفی، ناصر؛ بشلیده، کیومرث؛ عیسی‌نژاد، امید؛ اعتمادی، عذرا و شیربیگی، ناصر. (۱۳۹۰). رابطه سبک‌های عشق‌ورزی و کیفیت زناشویی در میان افراد متأهل. *مشاوره کاربردی*، ۱(۱)، ۲۱-۳۶.

Acker, M., & Davis, M. H. (1992). Intimacy, passion and commitment in adult romantic relationships: A test of the triangular theory of love. *Journal of Social and Personal Relationships, 9*(1), 21-50.

Adams, J. M., & Jones, W. H. (1997). The conceptualization of marital commitment: An integrative analysis. *Journal of Personality and Social Psychology, 72*(5), 1177-1196.

Allen, E. S. (2001). *Attachment styles and their relation to patterns of extradyadic and extramarital involvement* (Unpublished doctoral dissertation). University of North Carolina, Chapel Hill.

Bagarozzi, D. A., & Wodarski, J. S. (1977). A social exchange typology of conjugal relationships and conflict development. *Journal of Marriage and Family Counseling, 3*(4), 53-60.

Bastaits, K., Pasteels, I., Mortelmans, D. (2018). How do post-divorce paternal and maternal family trajectories relate to adolescents' subjective well-being? *Journal of Adolescence, 64*, 98-108.

Bates, C., Terry, L., & Popple, K. (2017). Importance of romantic love to people with learning disabilities. *British Journal of Learning Disabilities, 45*(1), 64-72.

Berryman, J. C., Symthe, P. K., Taylor-Davies, A., Lamont, A., & Joiner, R. (2002). *Developmental psychology and you*. Wiley-Blackwell Publishing.

Bodenmann, G., Kaiser, A., Hahlweg, K., & Fehm-Wolfsdorf, G. (1998). Communication patterns during marital conflict: A cross-cultural representation. *Personal Relationships, 5*(3), 343-356.

Bowlby, J. (1973). *Attachment and loss: vol. 2. Separation, anxiety, and anger*. New York, NY: Basic Books.

Brennan, K. A., & Shaver, P. R. (1995). Dimensions of adult attachment, affect regulation, and romantic relationship functioning. *Personality and Social Psychology Bulletin, 21*(3), 267-283.

Byers, E. S., & MacNeil, S. (2006). Further validation of the interpersonal exchange model of sexual satisfaction. *Journal of Sex & Marital Therapy, 32*(1), 53-69.

Christensen, A., & Heavey, C. L. (1990). Gender and social structure in the demand-withdraw pattern of marital conflict. *Journal of Personality and Social Psychology, 59*(1), 73-81.

Christensen, A., & Sullaway, M. (1984). *Communications Patterns Questionnaire*. Unpublished questionnaire. University of California, Los Angeles.

Chuick, C. D. (2009). *Gender and infidelity: A study of the relationship between conformity to masculine norms and extrarelational involvement*. (Doctoral dissertation).University of Iowa.

Doherty, R. W., Hatfield, E., Thompson, K., & Choo, P. (1994). Cultural and ethnic influences on love and attachment. *Personal Relationships, 1*(4), 391-398.

Esere, M. O., Yeyeodu, A., & Oladun, C. (2014). Obstacles and suggested solutions to effective communication in marriage as expressed by married adults in Kogi State, Nigeria. *Procedia-Social and Behavioral Sciences, 114*, 584-592.

Fehr, B. (1993). How do I love thee? Let me consult my prototype. In S. Duck (Ed.), *Individuals in relationships* (pp. 87-120). Sage Publications.

Fricker, J. (2006). *Predicting Infidelity: The role of attachment styles, love styles, and the investment model*. (Doctoral dissertation). Swinburne University of Technology.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1400.18.3.5.8]

Gonzaga, G. C., Keltner, D., Londhal, E. A., & Smith, M. D. (2001). Love and commitment in romantic relations and friendship. *Personality and Social Psychology, 81*(2), 247-262.

Hatfield, E., & Rapson, R. (2006). Love and sexual health. In J. Kuriansky (Series Ed.). M. S. Teeper, & A. F. Owens (Vol. Eds.). *Sex, love, and psychology: Sexual health, Vol, I. Psychological foundations* (pp. 93-97). New York: Praeger.

Heavey, C. L., Larson, B. M., Zumtobel, D. C., & Christensen, A. (1996). The Communication Patterns Questionnaire: The reliability and validity of a constructive communication subscale. *Journal of Marriage and the Family, 58*(3),796-800.

Hiyoshi, A., Fall, K., Netuveli, G., & Montgomery, S. (2015). Remarriage after divorce and depression risk. *Social Science & Medicine, 141*, 109-114.

Hou, Y., Jiang, F., & Wang, X. (2019). Marital commitment, communication and marital satisfaction: An analysis based on actor-partner interdependence model. *International Journal of Psychology, 54*(3), 369-376.

Jeanfreau, M. M. (2009). *A qualitative study investigating the decision-making process of women's participation in marital infidelity*. (Doctoral dissertation). Kansas State University.

Kapinus, C. A., & Johnson, M. P. (2003). The utility of family life cycle as a theoretical and empirical tool: Commitment and family life-cycle stage. *Journal of Family Issues, 24*(2), 155-184.

Keelan, J. P. R., Dion, K. L. & Dion, K. K. (1994). Attachment style and heterosexual relationships among young adults: A short-term panel study. *Journal of Social and Personal Relationships, 11*, 201-214.

Klacsmann, A. N. (2007). *Recovering from infidelity: Attachment, trust, shattered assumptions, and forgiveness from a betrayed partner's perspective*. (Unpublished doctoral dissertation). Available from ProQuest Dissertations and Theses database. (UMI No. 3318784)

Lavner, J. A., Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (2016). Does couples' communication predict marital satisfaction, or does marital satisfaction predict communication?. *Journal of Marriage and Family, 78*(3), 680-694.

Molden, D. C., & Finkel, E. J. (2010). Motivations for promotion and prevention and the role of trust and commitment in interpersonal forgiveness. *Journal of Experimental Social Psychology, 46*(2), 255-268.

Moore, S. M., & Leung, C. (2001). Romantic beliefs, styles, and relationships among young people from Chinese, Southern European, and Anglo-Australian backgrounds. *Asian Journal of Social Psychology, 4*(1), 53-68.

Patrick, S., Sells, J. N., Giordano, F. G., & Tollerud, T. R. (2007). Intimacy, differentiation, and personality variables as predictors of marital satisfaction. *The Family Journal, 15*(4), 359-367.

Pickover, A. M., Dodson, T. S., Tran, H. N., Lipinski, A. J., & Beck, J. G. (2019). Factor structure of the communication patterns questionnaire in violence-exposed women. *Journal of Interpersonal Violence, 36*(19-20), 9352-9370.

Pickover, A. M., Lipinski, A. J., Dodson, T. S., Tran, H. N., Woodward, M. J., & Beck, J. G. (2017). Demand/withdraw communication in the context of intimate partner violence: Implications for psychological outcomes. *Journal of Anxiety Disorders, 52*, 95-102.

Schneewind, K. A. (2010). *Familienpsychologie [Family psychology]* (3rd ed.). Stuttgart: Kohlhammer.

Simpson, J. A., & Gangestad, S. W. (1991). Individual differences in sociosexuality: Evidence for convergent and discriminant validity. *Journal of Personality and Social Psychology, 60*(6), 870-883.

Singelis, T., Choo, P., & Hatfield, E. (1995). Love schemas and romantic love. *Journal of Social Behavior and Personality, 10*(1), 15-36.

Stephen, C. W., & Bachman, G. F. (1999). What's sex got to do with it? Attachment, love schemas, and sexuality. *Personal Relationships, 6*, 111-123.

Sternberg, R. J. (1986). A triangular theory of love. *Psychological Review, 93*(2), 119-135.

_____. (1997). Construct validation of a triangular love scale. *European Journal of Social Psychology, 27*(3), 313-335.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1400.18.3.5.8]